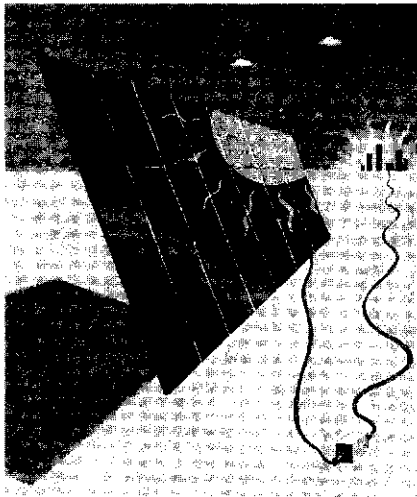


← مقاله

آشنایی با سیاست‌های انرژی دولت جدید آمریکا

مجله مطالعات فرسنگی
پژوهش‌های بین‌رشته‌ای

بولتن تحولات بازار نفت، شماره ۳۱
مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی



صنعت نفت چنان با سیاستهای داخلی و خارجی دولتمردان آمریکایی گره خورده که گاهی تفکیک آنها از یکدیگر غیرممکن است

پرداخت.

اسپنسر آبراهام کیست؟

آبراهام ۴۸ سال سن داشته و لبنانی‌الاصیل می‌باشد. پدر وی کارگر کارخانه اتومبیل‌سازی بسود و وی نیز از میشیگان، یعنی خانه اتومبیل‌سازان آمریکا می‌باشد. وی در سال ۱۹۷۹، مدرک فوق لیسانس حقوق خود را از دانشگاه هاروارد دریافت نمود و در سال ۱۹۹۴ برای اولین بار وارد سنا شد. او اولین نماینده جمهوری خواهان از ایالت میشیگان بود که رکورد ۲۲ ساله حاکمیت دموکرات‌ها را بر مسند نمایندگی این ایالت شکست. وی در تمامی سیاست‌های خود محافظه‌کار است، اما در مورد سیاست مهاجرت، یک لیبرال دموکرات واقعی می‌باشد.

گروه دوستان زمین که یک گروه فعال در زمینه مسائل زیست‌محیطی در آمریکاست، به شدت از انتخاب آبراهام ناخوشند بوده و مرتباً وی را به عنوان دشمن محیط زیست معرفی می‌نماید - در واقع همان تبلیغاتی که علیه بوش و چنی نیز به راه انداخته بودند. مدیر روابط عمومی این جمعیت گفت، هر کس که بخواهد وزیر شود نباید دشمن محیط زیست باشد، ولی آبراهام این گونه است. در مقابل، API که نماینده شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکاست، از انتخاب وی استقبال نموده و آمادگی خود را برای همکاری با او اعلام داشت. یکی از مدیران نفتی آمریکا درباره او می‌گوید: «او همان کسی است که اکنون با توجه به مشکلات عدیده بخش انرژی آمریکا به آن نیازمندیم».

بوش در خصوص انتخاب آبراهام می‌گوید: «سناتور آبراهام موضوعات مرتبط با سیاست

وابستگی به نفت وارداتی به ویژه از خاورمیانه به خطر افتاده است، با افزایش تولید داخلی نفت و گاز سعی دارد تا اقداماتی را در این زمینه به عمل آورد. با توجه به اینکه دولت بوش از سوی شرکت‌های نفتی مورد پشتیبانی قرار گرفته و طبق قولهایی که داده است، افزایش اکتشاف نفت و گاز در مناطقی که امکانات لازم را دارند، نظیر آلاسکا و خلیج مکزیک را دنبال خواهد کرد. در همین راستا، چالش مهم در آینده بین دولت جدید و طرفداران محیط زیست خواهد بود، زیرا این گروه با عملیات اکتشاف نفت در مناطقی که از نظر محیط زیست حساسیتهای زیادی در مورد آنها وجود دارد (به ویژه آلاسکا)، سعی در ممانعت از این گونه اقدامات خواهند کرد. در حالی که دولت جدید اگر از این مناطق چشم‌پوشی کند، شانس زیادی برای افزایش تولیدات داخلی نفت و گاز نخواهد داشت. همچنین سخت‌گیرها در مقررات محیط زیست، باعث کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران در توسعه صنایع نفت و گاز، به ویژه واحدهای پالایشی شده است که دولت جدید می‌باید در این زمینه امتیازات خاصی برای سرمایه‌گذاران قائل شود، والا رکورد گذشته همچنان بر صنایع نفت و گاز سایه افکننده و با افزایش تقاضای انرژی محدودیتهای کنونی در تولید و عرضه انرژی بیش از پیش افزایش خواهد یافت، همچنین این مسائل باعث بحثهای گسترده‌ای در کنگره و سنای آمریکا خواهد شد.

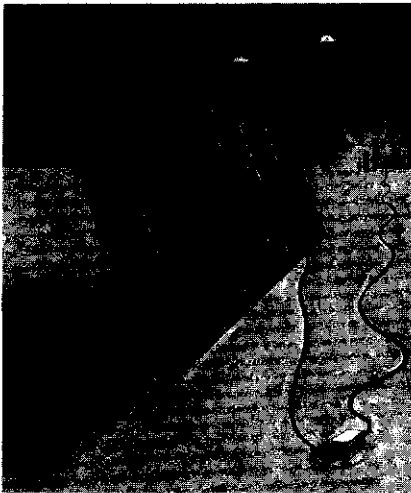
به طور کلی شواهد موجود بیانگر آن است که دولت جدید آمریکا در زمینه انرژی به مسائل داخلی بیش از گذشته توجه داشته و پس از سامان‌دهی آن به مسائل خارجی انرژی، به ویژه افزایش تولید در مناطق خاورمیانه و خزر خواهد

سرانجام دادگاه فدرال آمریکا رأی نهایی خود را مبنی بر قطعیت پیروزی جورج دبلیو بوش صادر نمود و وی در ۲۰ ژانویه به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا سوگند یاد کرد. یکی از مهمترین انتخابهای بوش جهت تصدی وزارتخانه‌های آمریکا، انتصاب اسپنسر آبراهام به سمت وزارت انرژی آمریکا بود که باعث شگفتی بسیاری از تحلیل‌گران گردید. وی که در انتخابات ایالتی اخیر توانست پست قبلی خود، یعنی سناتوری حوزه میشیگان را به دست آورد، در چند سال گذشته از جمله پیشنهاددهندگان اصلی طرح انحلال اداره انرژی آمریکا (DOE) بود و دلیل این امر را عدم کارایی آن در بازار کاملاً باز آمریکا اعلام کرده بود. در واقع، وی از عدم کارایی مناسب DOE در بازار انرژی آمریکا انتقاد داشته و عملکرد آن را مناسب نمی‌دانست. هم‌اکنون ترکیب آبراهام با دیک چنی معاون رئیس‌جمهور جدید، که هر دو از طرفداران پیشبرد سیاست دره‌های باز برای شرکت‌های نفتی هستند، می‌تواند در آینده در بخش انرژی آمریکا و جهان تغییرات مهمی را به وجود آورد.

طی سالهای متمادی صنعت نفت چنان با سیاستهای داخلی و خارجی دولتمردان آمریکایی گره خورده که برخی اوقات تفکیک کردن آنها از یکدیگر غیرممکن است. پیش از این، چنی رهبری وزارت دفاع آمریکا را در زمان جنگ خلیج فارس و دفاع از ذخایر عظیم نفتی عربستان و کویت به عهده داشت و ال‌گور پیشنهاد دهنده طرح باکو-سیهان بود.

افزایش قیمت بنزین و گاز طبیعی و پیش‌بینی افزایش بیشتر قیمت آنها در فصل سرما، باعث ایجاد بحثهای داغی در رقابتهای انتخاباتی آمریکا شد و این مسئله به عنوان یکی از محورهای اصلی مورد تأکید جمهوریخواهان برای زیر سؤال بردن دموکراتها در بین مردم آمریکا مؤثر بود. اما اکنون با پیروزی جمهوریخواهان، مردم آمریکا چشم به عملکرد آنها در مواجهه با تداوم قیمتهای انرژی در سطح بالا و به ویژه گاز طبیعی دوخته‌اند که معلوم نیست آیا آقای آبراهام می‌تواند در این زمینه کاری صورت دهد یا خیر؟

یکی از موضوعاتی که طرفداران بوش در مبارزات انتخاباتی خود بر آن تأکید داشتند، عدم کارایی سیاستهای انرژی دولت کلینتون بود که منجر به وابستگی شدید این کشور به انرژی و به ویژه نفت وارداتی شد. دولت جدید در همین راستا، در جهت تأمین امنیت عرضه انرژی که با



وابستگی آمریکا به نفت و وارداتی در حال افزایش است. این وابستگی اکنون ۵۵ درصد است، در حالی که این میزان در سال‌های دهه ۷۰ و هم‌زمان با بحران انرژی فقط ۳۶ درصد بود

نگرانی‌ها در ترکیه پس از انتخاب بوش و به ویژه پس از نامزدی آبراهام برای پست وزارت انرژی به قدری بالا گرفت که نجات سزر مجبور به انتشار بیانیهای در این زمینه شد. وی در بیانیه خود خاطر نشان نمود که هیچ پیام رسمی در زمینه تغییر سیاست‌های آمریکا در مورد خط لوله باکو-سیهان دریافت نشده است.

البته برای ارائه پیش‌بینی روشنی از تغییرات سیاست‌های آمریکا در خزر هنوز زود است و زمان لازم است تا سیاست‌های قبلی مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد، فرآیندی که ممکن است ماه‌ها به طول بکشد.

اکنون ترکیه از طریق شرکت بوناش، تلاش زیادی را در زمینه ارائه مناقصه‌های پی در پی جهت شروع کارهای مهندسی طرح انجام داده است، تلاشی که به نحو دیگری و با توجه به ضعف شدید مالی از سوی گرجستان نیز دنبال می‌شود. رابرت ابل، مدیر برنامه امنیت ملی و انرژی در مرکز مطالعات بین‌المللی استراتژیک واشنگتن می‌گوید، نباید با یک جمله از یک فرد آبراهام با باکو-سیهان است. وی یادآور شد، سیاستمداران وقتی در پست دولتی قرار می‌گیرند، باید به فشارها و نگرانیهای متعددی جواب دهند. به عنوان وزیر انرژی، آبراهام اختیارات لازم جهت انجام و شاید تأثیرگذاری بر سیاست خارجی را داشته باشد، اما نمی‌تواند آن را تغییر دهد.

نشریه فایننشال تایمز پیش‌بینی نموده است که آبراهام بیشتر وقت خود را صرف مسائل و مشکلات و انرژی در آمریکا خواهد نمود و سیاست‌های نفتی بیشتر توسط دولت‌مردان با تجربه در مسائل خاورمیانه، یعنی

افزایش است. این وابستگی اکنون ۵۵ درصد است، در حالی که این میزان در سال‌های دهه ۷۰ و هم‌زمان با بحران انرژی فقط ۳۶ درصد بود. با توجه به افزایش مداوم تقاضا برای انرژی در آمریکا، آبراهام معتقد است که «اقتصاد آمریکا به طور مستقیم به عرضه مداوم انرژی با قیمت‌های قابل قبول مرتبط است».

سیاست آمریکا در خزر

با انتخاب آبراهام، نگرانی‌ها در ترکیه در مورد آینده طرح‌های خطوط لوله خزر، به ویژه خط لوله نفت باکو-سیهان و تداوم پشتیبانی آمریکا از آن به شدت افزایش یافته است. اجرای خط لوله غیر اقتصادی باکو-سیهان، از اولویت‌های سیاست دولت کلینتون در خزر بود که به دلیل سیاسی بودن آن هرگز با اقبال عمومی مواجه نشد. روزنامه‌های ترکیه، روی کار آمدن آبراهام را نشانگر علامتهای منفی در پروژه خزر قلمداد نمودند، انتخاب آبراهام به دلیل وابستگی دینی خود به مسیحیان مارونی لبنان که رابطه نزدیکی با ارامنه دارند و همچنین سخنان قبلی او در مورد طرح باکو-سیهان که آن را یک خطای بزرگ نامیده بود، برای ترکیه از ویژگی خاصی برخوردار است.

تحلیل‌گران علاوه بر آن به دو مطالعه‌ای که اخیراً توسط دو مؤسسه مستقل در واشنگتن انجام گرفته است اشاره نموده و پیش‌بینی می‌نمایند، سیاست‌های آمریکا در خزر تغییرات اساسی ننماید. گزارش مؤسسه CATO و مؤسسه کارنگی در مورد لزوم توجه بیشتر به روسیه و ایران در طرح‌های خزر و تأکید بر اقتصادی نبودن طرح باکو-سیهان از جمله این گزارش‌هاست.

نفتی را می‌شناسد و از فرصتها و چالشهای پیش روی ما آگاه است. وی آماده است تا در تأمین امنیت عرضه انرژی برای آمریکا به من کمک کند و ما می‌دانیم که امنیت ملی ما بستگی به امنیت انرژی دارد.» «من و آبراهام جهت اطمینان به در دسترس بودن انرژی و قابل قبول بودن قیمت آن برای همه آمریکایی‌ها تلاش می‌کنیم.» وی تأکید کرد، «سیاست انرژی آمریکا باید در جهت تأمین تقاضا از طریق اکتشاف جدید و تولید از مناطق جدید قرار گیرد و باید سیاست صرفه‌جویی و خودکفایی دنبال شود و در این راه، دو عامل اقتصاد و محیط زیست را مدنظر قرار می‌دهیم».

آبراهام در مورد انتخاب خود گفت: «من فکر می‌کنم آمریکا در موقعیتی بسیار ویژه قرار دارد که نوه یک مهاجر لبنانی بتواند در آن این فرصت را بیابد که در کابینه آمریکا پستی داشته باشد و من از این مسئله بسیار مفتخرم.» او در مورد منابع آمریکا گفت: «ما منابع عظیم انرژی در آمریکا داریم که برای امنیت ملی کشور بسیار مهم هستند. ما باید بهترین استفاده را از آنها بنماییم، در عین حال معتقدم باید حراست از محیط زیست، زمین، هوا و آبهای خود را دنبال نماییم».

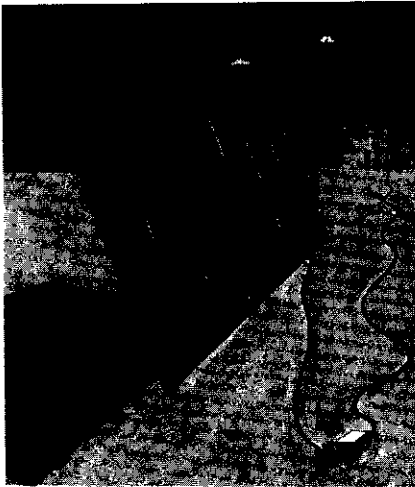
آبراهام در زمان سناتوری خود در کمیته‌های بازرگانی، بودجه، دادگستری و صنایع کوچک کار نمود، ولی در بخش انرژی تجربه‌ای در سنا ندارد.

سال گذشته، وقتی قیمت بنزین به بالاترین سطح خود رسید، او در تدوین طرح تعیین مالیات فدرال بر بنزین (۱۸/۴ سنت برای هر گالون) با سناتور کن‌بیلی و دیگران مشارکت داشت، البته این طرح توسط سنا رد شد.

آنچه از سخنان بوش، به ویژه در مراسم معارفه آبراهام استنباط می‌شود، این است که وی با تمام توان به دنبال کاهش وابستگی آمریکا به واردات انرژی و به ویژه نفت از طریق افزایش تولید واقعی است. البته وی علی‌رغم آنکه معلوم نیست آیا واقعاً به فکر محیط زیست باشد یا خیر، مرتباً لزوم حفظ محیط زیست را در حین توسعه اکتشاف و تولید نفت در آمریکا یادآور می‌شود.

آبراهام، سیاست دولت کلینتون در زمینه انرژی را شکست خورده و عامل اصلی وابستگی بسیار زیاد آمریکا به نفت و وارداتی، که اکنون ۵۵ درصد از نیازهای این کشور را تأمین می‌کند، اعلام نمود.

وابستگی آمریکا به نفت و وارداتی در حال



دو سال قبل آمریکا بیهوا از قیمت بنزین و سوخت حرارتی رضایت داشتند، اما وقتی قیمت‌های نفت به دنبال تصمیم اوپک افزایش یافت، هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه شروع به فعالیت برای ارائه سیاست ملی انرژی نمودند

سیاست ملی انرژی نمودند تا بدین ترتیب وابستگی به نفت وارداتی را کاهش دهند. البته هر یک از این سیاست‌ها برداشت جداگانه‌ای را دنبال می‌کرد. در همین خصوص دولت کلینتون، کنگره را که در اختیار جمهوری خواهان بود به کارشکنی در راه رسیدن به استراتژی مناسب در این زمینه متهم می‌کرد و از سوی دیگر، جمهوری خواهان نیز کاخ سفید را که در اختیار دموکرات‌ها بود، متهم به بی‌برنامگی و بی‌کفایتی می‌نمودند.

در پیشنهاد جمهوری خواهان سنا، علاوه بر حفاری در مناطق حیات وحش، ارائه تخفیف‌های مالیاتی جهت تشویق استفاده از منابع جدید انرژی نیز آورده شده است. یکی از این منابع، سوخت‌های جایگزین بنزین برای سوخت خودروهاست که DOE مدت‌هاست به دنبال افزایش استفاده از آن‌ها می‌باشد. علاوه بر آن، بوش در تبلیغات انتخاباتی خود قول داده بود که منابع حاصل از اعطای اجازه حفاری به شرکت‌های نفتی را در زمین‌های دولتی، صرف رونق سوخت‌های جایگزین و انرژی‌های تجدیدپذیر نماید که این مطلب نیز در طرح مزبور گنجانده شده است. نکته بعدی در این طرح، ارائه استانداردهای اجباری برای ساختمانهای تجاری و دولتی در سطح فدرال در زمینه بهره‌وری انرژی می‌باشد.

مصطفی شریف‌النبی

منابع:

- ۱- نشریه گاز و نفت، ۸ ژانویه و ۱۲ فوریه ۲۰۰۱.
- ۲- نشریه انرژی دی، ۵ فوریه ۲۰۰۱.

ایالات آلاسکا ارائه شده که در واقع، بازتاب سخنان بوش در جریان رقابت‌های انتخاباتی است. سخنگوی کمیته انرژی سنا در این باره می‌گوید: «من فکر می‌کنم مردم می‌خواهند تا موازنه‌ای منطقی را در سیاست انرژی شاهد باشند».

بوش که خود از نفتگران قبلی در ایالت تگزاس است، گفته است که ایجاد موازنه در سیاست انرژی به منظور محافظت از منابع ملی در مقابل رشد وابستگی به نفت وارداتی، از سیاست‌های اولیه دولت آمریکا خواهد بود. وی همچنین به بحران انرژی در کالیفرنیا اشاره نموده و معتقد است، همین عدم موازنه باعث چنین بحرانی شده است. بی شک برنامه جمهوری خواهان برای باز کردن زمین‌های حیات وحش و آب‌های ساحلی آمریکا بر روی عملیات اکتشاف و حفاری، باعث ایجاد حساسیت جدی و مخالفت گروه‌های طرفدار محیط زیست و دموکرات‌ها خواهد شد. آری فیشر، سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد: «ما باید به سرعت سیاست ملی انرژی آمریکا را به پیش ببریم و در همین خصوص سعی می‌کنیم تا ۸ درصد از زمین‌های حیات وحش را در مناطق قطبی، به ویژه آلاسکا، بر روی عملیات اکتشاف و تولید بازگشاییم». این میزان، در واقع ۱/۵ میلیون هکتار از ۱۹ میلیون هکتار زمین منطقه را شامل می‌گردد.

دو سال قبل آمریکا بیهوا از قیمت بنزین و سوخت حرارتی رضایت داشتند، قیمتی که به واسطه قیمت هر بشکه نفت ۱۰ دلار بسیار ارزان بود. اما وقتی قیمت‌های نفت به دنبال تصمیم اوپک افزایش یافت، هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه شروع به فعالیت برای ارائه

چینی معاون رئیس‌جمهور و کولین پاول وزیر امور خارجه تعیین خواهد شد.

البته این نکته را باید یادآور شویم که با توجه به نقش ترکیه در انجام موفقیت‌آمیز عملیات بیرون‌سازی عراق از کویت که در زمان فرماندهی ژنرال پاول و وزارت چینی صورت پذیرفت، می‌توان پیش‌بینی نمود که این دو سعی خواهند نمود تا این کشور را نیز راضی نگاه دارند.

از سوی دیگر، دیک چینی از مخالفان سرسخت تحریم‌های ایران، به ویژه در زمینه صدور نفت خزر بوده است. اما از زمان رسیدن به معاونت ریاست جمهوری، تقریباً هیچ اظهار نظری در این زمینه ننموده، البته کولین پاول از ایجاد روابط تجاری مقدم بر روابط سیاسی نام برده است. در تیم رهبری آقای بوش، سایرین در زمینه تحریم‌ها با موافق یا آن هستند یا نظر خاصی ارائه نکرده‌اند.

آقای بوش، به عنوان یکی از راه‌های تأمین تقاضای نفت آمریکا، همواره بر کشف مناطق جدید تولید تأکید داشته و بنابراین از توسعه ذخایر نفت خزر استقبال نموده و حتی پیش از پیش از آن پشتیبانی می‌نماید.

در اواخر دوره ریاست جمهوری کلینتون، جان ولف مشاور رئیس‌جمهور آمریکا در مسائل نفت و گاز خزر، جای خود را به خانم بونز (سفیر سابق آمریکا در قزاقستان) داد، اما هنوز معلوم نیست که در دولت جدید چنین پستی تداوم یابد. اما اخیراً خانم بونز، ضمن رد مباحث مطرح در مورد اعلام پشتیبانی دولت جدید از خط لوله باکو-سیهان، بر ادامه سیاست دولت قبلی در این زمینه تأکید نمود.

دولت جدید آمریکا ممکن است در آینده نیاز به عرضه نفت خزر را از طریق چند مسیر از جمله مسیر ایران درک نماید، اما این سؤال مطرح است که آیا منظور دو دولت از «سیاست چند مسیر عبور» با یکدیگر یکسان است یا هر کدام تفسیر مخصوص به خود را دنبال می‌کنند.

ارائه قانون جدید

جمهوری خواهان سنا آمریکا، در ماه فوریه استراتژی جدید را برای بخش انرژی کشور ارائه داده‌اند که شامل بازنمودن زمین‌های حیات وحش آلاسکا برای عملیات اکتشاف و حفاری و ارائه سوخت‌های جایگزین برای خودروهاست. این پیشنهاد توسط سناتور فرانک مورکوفسکی از